

# لوح بسمله

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



لوح بسمله - حضرت بهاء الله - مجموعه الواح مبارکه، جاپ

مصر، صفحه ۲۷۶ - ۲۸۴

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

این مظلوم اراده نموده لوجه الله بر شما القا نماید آنچه را که سبب بقای ابدی و ذکر سرمدیست \* شکی نبوده و نیست که مقصود از آفرینش معرفت حقّ جلّ جلاله بوده \* حال باید خالصا لوجه المقصود انسان تفکر نماید که سبب اقبال نفوس بمشارق وحی و مطالع الهام در قرون و اعصار چه بوده و علت اعراض چه \* اگر بعرفان این مقام فائز شوی بکلّ خیر فائزی و از امواج بحر عرفان حقّ جلّ جلاله محروم نمائی \* ما سوی الحقّ را معدوم مشاهده کنی و مفقود بینی \* انسان چون بمقام بلوغ فائز شد باید تفحص نماید و متوکلا علی الله و مقدّسا عن الحبّ و البغض در امریکه عباد بآن متمسکند تفکر کند و بسمع و بصر خود بشنود و ببیند چه اگر ببصر غیر ملاحظه نماید از مشاهده تجلیات انوار نیر عرفان الهی محروم ماند \* احزاب مختلفه در عالم موجود و هر حزبی خود را حقّ دانسته و میدانند بقوله تعالی: ﴿ کُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴾ در خاتم انبیاء روح ما سواه فداه تفکر نمائید چون آن نیر حقیقی باراده الهی از افق حجاز اشراق نمود احزاب اعراض نمودند و بر سفک دم اطهرش قیام کردند \* وارد شد بر انحضرت آنچه که عیون ملاً اعلی گریست و افتده مخلصین و مقربین محترق گشت \* باید در سبب و علت و اعتراض تفکر نمود \* حقّ جلّ جلاله میفرماید: ﴿ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴾ و شکی نبوده و نیست که اگر مظاهر اوامر الهی و مصادر احکام ربّانی موافق و مطابق آنچه در دست قومست



ORIGINAL



AUDIO

از اشارات ظهور و اخبار و نصوص ظاهر می‌گشتند احدی اعراض نمی‌نمود بلکه کلّ فائز میشدند بآنچه که از برای او از عدم بوجود آمده‌اند و از نیستی بحت بات بطراز هستی مزین گشته‌اند لذا بر هر نفسی لازم است که بعدل و انصاف در أمر الله ملاحظه نماید و تفکر کند \* علمای امامیه بر آنند که حضرت قائم موعود بعد از ظهور در بیت الله بکلمه نطق می‌فرمایند که نقبا از آن کلمه اعراض مینمایند و فرار اختیار میکنند \* اینکلمه ایست که آنحزب بآن مقرر و معترفند \* حال در غفلت بعضی تفکر نمائید باعراض نقبا که بعد از ائمه باعتقاد خود ایشان اشرف عبادند قائلند و تصدیق مینمایند و در خود گمان نمیکنند که شاید این اعراض من غیر حق باشد \* باری ندای مظلوم و آنچه ذکر نموده بسمع انصاف بشنوید \* یظهر لک الحق و صراطه المستقیم \* در یک آن تفکر مینمایند که شاید آنچه ظاهر شده حق باشد و این اعراض و اعتراضات از غفلت و جهل واقع شده باشد \* از حق می‌طلبیم شما را تأیید فرماید تا بصر عدل و انصاف مشاهده کنید و تفرّس نمائید \* إِنَّهُ يَقُولُ الْحَقُّ وَ يَهْدِي السَّبِيلَ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْجَمِيلُ \* حضرت عیسی ابن مریم - علیه سلام الله و عنایته - بآیات و اضحات و بینات باهرات ظاهر شد و مقصودش نجات خلق بوده \* هر منصفی شاهد و هر خبیری گواهد است آنحضرت از برای خود چیزی نطلبیده و نخواسته و مقصودش هدایت گمراهان بصراط مستقیم الهی بوده \* لکن وارد شد بر آنجمال اقدس آنچه که اهل فردوس نوحه نمودند و بقسمی بر آنحضرت امر صعّب شد که حق جلّ جلاله باراده عالیّه بسماء چهارم صعودش داد \* آیا سبب آنچه ظاهر شد چه بوده \* لَعَمْرُ اللَّهِ إِعْرَاضُ عُلَمَاءٍ \* چه که حنّان و قیافا که از فرّسین بوده‌اند یعنی علمای توراة مع علمای اصنام انکار نمودند و بسبّ و لعن مشغول گشتند \* و همچنین در حضرت کلیم و سائر انبیاء ملاحظه فرمائید شاید آنچه در این ورقه ذکر شده شما را بعرفان مذکور فائز فرماید و بکمال همت بر خدمت امر قیام نمائی قیامیکه از سطوت ظالمین مضطرب نشود و از اعراض علماء تغییر نیابد بشنو ندای این مظلوم را و از شمال وهم بزمین یقین توجه نما و از مغرب ظنّ و گمان بمشرق ایقان اقبال کن \* این مظلوم از اول ایام ما بین آیدای اعداء مبتلا البتّه بعضی از بلایای وارده را اصغا نموده‌اید \* بعنایت حق جلّ جلاله امام وجوه خلق از علماء و أمراء من غیر ستر و حجاب آنچه سبب نجات و راحت کل بود القا نمودیم \* هیچ امری از امور و هیچ شیء از اشیاء منع نمود و حایل نگشت \* و حال هم در سجن اعظم لوجه الله ذکر نمودیم آنچه را که از برای منصفین کتابت مبین \* انظر ثمّ اذکر ما أنزله الرحمن فی الفرقان بقوله تعالی: ﴿ ذَرُهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ﴾ امید آنکه از فضل الهی باین کلمه فائز شوی و بآن عمل نمائی \* از ما سوی الله یعنی امریکه سبب منع و علت احتجاجت بگذری و بآنچه سبب بلوغ و وصول است تمسک جوئی \* امر عظیم است و مطلب بزرگ \* و یوم یومیت که می‌فرماید: ﴿ يَا بَنِيَّ إِنِّي إِن تَكُنْ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴾ امروز روزیست آنچه در قلوب

و نفوس مستور است ظاهر و آشکار شود \* در نفوسیکه رایگان جان و مال را در سبیل محبت غنی متعال انفاق نموده اند تفکر نمائید إنه یهدیک إلى صراطه المستقیم و نبئه العظیم \* در حضرت نوح و هود و صالح - صلوات الله علیهم - ملاحظه کن مقصود آن مشارق امر چه بود و چه وارد شد \* این عبد از اهل علم نبوده و مدرسه نرفته و بر حسب ظاهر در بیت یکی از رجال دولت متولد شده و باو منسوب \* إِنَّ الْأَمْرَ بِيَدِ اللَّهِ رَبِّكَ رَبُّ الْعَرْشِ وَالْثَّوْرَى وَمَالِكِ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى \* لا مانع لأمره و لا دافع لحكمه يفعل ما يشاء و يحكم ما يريد و هو المقتدر القدير \*

اسمع نداء المظلوم \* طهر قلبك بماء الإنقطاع و زين رأسك بأكليل العدل و هيكلك برداء التقوى و قل:

إلهي إلهي أشهد بوحدانيتك و فردانيتك و اعترف بما نطقت به ألسن أنبيائك و رسلك و ما أنزلته في كتبك و صحفك و زبرك و ألواحك \* أي ربّ أنا عبدك و ابن عبدك أشهد بلسان ظاهري و باطني بأنك أنت الله لا إله إلا أنت الفرد الواحد المقتدر العليم الحكيم \* آه آه يا إلهي من جبراتي العظمى و خطيأتي الكبرى و من غفلتي التي منعتني عن التوجه إلى مشرق آياتك و مطلع بيناتك و عن النظر إلى تجليات أنوار فجر ظهورك و مشاهدة آثار قلبك \* فآه آه يا مقصودي و معبودي لم أدر بأي مصيبة من مصائب أنوح و أبكي أنوح على ما فات عني في أيام فيها أشرق و لاح نير الظهور من أفق سماء إرادتك أم أنوح و أبكي عن بعدى عن ساحة قربك إذ ارتفع خباء مجدك على أعلى الأعلام بقدرتك و سلطانك \* كلما زاد يا إلهي رأفتك في حقي و صبرك في أخذى زادت غفلتي و إعراضى \* قد ذكرتني إذ كنت صامتا عن ذكرك و أقبلت إليّ بمظهر نفسك إذ كنت معرضا عن التوجه إلى أنوار وجهك و ناديتني إذ كنت غافلا عن إصغاء ندائك من مطلع أمرك \* و عزّرتك قد أحاطتني الغفلة من كل الجهات بما اتبعت النفس و الهوى \* فآه آه إرادتي منعتني عن إرادتك و مشيتي حجبتني عن مشيتك بحيث تمسكت بصراطى تاركا صراطك المستقيم و نبأك العظیم \* ترى و تسمع يا إلهي حنيني و بكائي و ضجيجي و ذلتي و بلائي \* أي ربّ هيكلك العصيان أراد أمواج بحر غفرانك و عفوك و جوهر الغفلة بدائع مواهبك و أطافك \* فآه آه ضوضاء العباد منعتني عن إصغاء بيانك و نعاق خلقك حجبتني عن النظر إلى أفق أمرك \* و عزّرتك أحب أن أبكي بدوام ملكك و ملكوتك فكيف لا أبكي أبكي بما منعت عيني عن مشاهدة أنوار شمس ظهورك و أذني عن إصغاء ذكرك و ثنائك \* و عزّرتك يا إله العالم و سلطان الأمم أحب أن أستتر وجهي تحت أطباق الأرض و تراها من نجلتني و بما اكتسبت أيادي غفلتي \* فآه آه كنت معي و سمعت مني ما لا ينبغي لك و بفضلك سترت عني و ما كشفت سوء حالي و أعمالى و أقوالى \* فآه آه لم أدر ما قدرت لي من قلبك الأعلى و ما شاءت مشيتك يا مالك

الأسماء و فاطر السّماء \* فآه آه أن يمنعني قضاؤك المحتوم عن رحيقك المختوم \* أسألك بنفحات  
وحيك و أنوار عرشك و بالذی به تَضَوِّعَ عَرَفُ قَيْصِكِ فِي الْمَجَازِ وَ بِنُورِ أَمْرِكَ الَّذِي بِهِ أَشْرَقَتْ  
الأرضُ و السّماءُ بأن تجعلني في كلّ الأحوال مقبلا إليك منقطعا عن دونك و متمسكا بجبلك و  
متشبّثا بأذيال رداء جودك و كرمك و اختار لنفسی ما اخترته لی بعنايتك الكبرى و مواهبك العظمی  
یا من فی قبضتک زمام الأشياء لا إله إلا أنت ربّ العرش و الثّرى و مالک الآخرة و الأولى \*